



هدف از بعثت رسول اعظم (ص) از زبان آیت الله قرهی

آیت الله روح الله قرهی با اشاره به حدیث «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» از پیامبر (ص) گفت: بر اساس این حدیث، تنها هدف حضرت محمد (ص) از مبعوث شدن «مکارم اخلاق» بود و پیامبر (ص) تمام کننده آن است.

آیت الله روح الله قرهی با اشاره به حدیث #171& «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» از پیامبر (ص) گفت: بر اساس این حدیث، تنها هدف حضرت محمد (ص) از مبعوث شدن #171& «مکارم اخلاق» بود و پیامبر (ص) تمام کننده آن است.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت الله روح الله قرهی در آخرین جلسه درس اخلاق خود که هشتم تیرماه در مسجد و حوزه علمیه امام مهدی (عج) برگزار شد به بیان اهداف بعثت رسول الله (ص) پرداخت که مشروح آن در پی می آید:

سرّ عظمای رسالت نبی مکرم، حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، مطلب بسیار عظیم و بزرگی است که به تعبیر حضرت شیخ حرّ عاملی (اعلی الله مقامه الشریف)، آن آیت حق اگر بشر این سرّ عظمی را از روز نخست درک می کرد هیچ گاه شقوقی در جامعه به وجود نمی آمد و گناه جامعه را فرا نمی گرفت.

این سرّ عظمی همان است که هم ذوالجلال و الاکرام در کتاب خود، قرآن کریم تبیین فرمود و هم وجود مقدّس و نازنینش آن را به عنوان اصل بعثت اشاره فرمودند و آن هم این است که بشر به اخلاق و مکارم اخلاق برسد؛ یعنی اگر جامعه ای متصف به اخلاق کریمه شد، طبیعی است آن قدر رشد پیدا می کند که علم حقیقی بر او وارد می گردد.

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» سه نکته بسیار مهم در این فرمایش حضرت است:

1. هدف از بعثت.

2. انبیاء عظام هم همین هدف را دارند.

3. من تمام کننده آن هدف هستم، همان گونه که خاتم انبیاء هستم.

حضرت در مورد هدف از بعثت نفرمودند: من آمده ام شما را به علم برسانم، یعنی چه؟ مگر اسلام با علم موافق نیست؟! آن قدر در اسلام به علم اشاره شده و در فضیلت علم روایات داریم "اطْلُبْ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْلَحْدِ". قرآن می فرماید: "هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ" [1] یا در روایات فرموده اند: پروردگار عالم ملائکه اش را مأمور می کند تا بالشان را زیر پای طالب علم - هنوز معلوم نیست عالم شود - بکشایند! این قدر اسلام به علم اهمیت داده است، اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نفرمودند: من مبعوث شدم علم شما را کامل کنم - سرّش را به فضل الهی عرض خواهم کرد -.

حتی حضرت نفرمودند: من مبعوث شدم عقل شما را کامل کنم یا عقول انسانی کامل شود. نفرمودند: من مبعوث شدم جنگ و خونریزی ها را تمام کنم. می دانید در شبه جزیره عربستان، حجاز، چهل حاکم بود طوری که دختران را زنده به گور می کردند و قبائل دائم با هم می جنگیدند، آن قدر این جنگ و کشت و کشتار بر خودشان سخت آمد که با هم پیمان بستند چند ماهی را به زندگی مان بپردازیم، چهار ماه را در جاهلیت به عنوان ماه های حرام قرار دادند. اسلام هم که آمد آن را تأیید کرد، "إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ" [2] اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای این هم نیامدند. حضرت فرمودند: هدف از بعثت من مکارم اخلاق است.

نه تنها هدف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، مکارم اخلاق بود بلکه هدف تمام انبیاء هم همین بود. چرا؟ چون با لفظ "لِأَتَمِّمَ" بیان شد؛ یعنی کار انبیاء دیگر هم همین بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام کننده آن است که نکته سوّم هم حاصل می شود.

* راه رسیدن به علم

شیخ حرّ عاملی (اعلی الله مقامه الشریف)، آن مرد عظیم الشان می فرماید: اگر مردم این را می فهمیدند و پیگیری می کردند، به همه خوبی ها و به علم می رسیدند؛ چون اگر کسی در مکارم اخلاق و تزکیه بود، به خودی خود به علم، آن هم علم حقیقی می رسید. ذوالجلال و الاکرام فرمود: "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ" [3] اگر جامعه تزکیه شد و اخلاق به عنوان ظرف دین در جامعه بشری گسترش پیدا کرد (که خود نبی مکرم فرمود: "الْحَقُّ وَعَاءُ الدِّينِ" اخلاق ظرف دین است.) دیگر علم می آید، آن هم علم حقیقی. حتی حکمت مطالب برای انسان روشن می شود.

آیت الله العظمی سلطان آبادی بزرگ (اعلی الله مقامه الشریف)، آن سلطان العارفین، همان کسی است که در جلسات گذشته اخلاق شمه ای از غیب گویی های او را عرض کردم. ایشان حتی به آن شهید بزرگوار، شیخ فضل الله نوری (اعلی الله مقامه الشریف) در جوانی فرمود: تو همان شیخ شهیدی هستی که در تهران به دارت می زنند و به خدا می بینم که بعد از شهادت تو مدتی نمی گذرد که اسم تو بر منابر است و تو به عنوان يك امامزاده هستی! اینکه امام (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: شهداء امامزادگان عشقند! این تعبیر از سلطان العارفین، آن مرد الهی است.

این مرد عظیم‌الشأن در آخر عمر به خصیصین خود فرموده بودند: طوری زندگی کنید که بعد از تزکیه به علم و بعد به حکمت همه خلقت ذوالجلال والاکرام برسید. به خدا قسم، من حکمت بعضی از چیزها را می‌دانم که اگر به شما بگویم غالب تهی می‌کنید. یعنی اگر کسی به تزکیه پرداخت، علم حقیقی برای او به وجود می‌آید و حکمت همه اشیاء و خلقت از ناحیه ذوالجلال و الاکرام برای او معلوم و مشهود می‌شود، این لطف خداست. برای همین است که پیامبر اکرم(صلي الله عليه و آله و سلم) می‌فرمایند: من برای مکارم اخلاق مبعوث شدم. اگر کسی مکارم اخلاق داشت و اوج مکارم را پیدا کرد، اصلاً به خودی خود به علم می‌رسد، اگر کسی مکارم اخلاق را پیاده کرد، دیگر جهلی ندارد.

* عاقل‌ترین انسان‌ها

سید رضی(اعلي الله مقامه الشریف) تعبیر بسیار عالی دارند، ایشان می‌فرمایند: هر کس در مقام اخلاق و تزکیه قرار گرفت، عاقل‌ترین انسان‌هاست. این مطلب را به عنوان کد به ذهنتان بسپارید، گرچه روایت هم به آن اشاره‌ای دارد که به فضل الهی عرض می‌کنم. عقلای عالم چه کسانی هستند؟ آن‌هایی که به تزکیه نفس می‌پردازند، آن‌هایی که مکارم اخلاق در وجودشان است. اگر امروز جامعه بشری گرفتار جنگ و خونریزی است، به این دلیل است که متوجه نشد اگر اخلاق در جامعه پیاده شود دیگر بشر رشد می‌کند و به جایی می‌رسد که دنیای او بهترین دنیا و آخرت او بهترین آخرت است. آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی(اعلي الله مقامه الشریف)، آن عارف عظیم‌الشأن و مرد الهی فرموده بودند: چه فایده و چه سود که يك عده دائم در قنوت این آیه شریفه "رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ" را تلاوت می‌کنند در حالیکه نمی‌دانند اگر دنبال دنیای پاک، دنیای بدون خونریزی و دنیای عالی هستند، راهش این است که باید اخلاق را در جامعه گسترش دهند. خیلی حرف بزرگی است. رمز این است. ایشان می‌فرمایند: اگر اخلاق در جامعه رشد و نمو کرد، دیگر دنیای حسنه به وجود آمده است.

* جهتم دارد درست می‌شود

هنوز تکنولوژی این‌طور پیشرفت نکرده بود، شروع شده بود اما به آن اوجش نرسیده بود، میرزای بزرگ شیرازی(اعلي الله مقامه الشریف) - میرزای دوم- تعبیر عجیبی را فرموده بودند، ایشان فرموده بودند: جهتم دارد درست می‌شود. شخصی در خلوت به آقا گفته بود: آقا! شما می‌فرمایید که جهتم دارد درست می‌شود، در حالی‌که دارند چیزهایی را برای اسباب راحتی مردم درست می‌کنند. ایشان فرموده بودند: می‌دانم اما چون این با اخلاق نیست، اسباب گرفتاری مردم می‌شود. علم بدون تزکیه و علم بدون ظرف اخلاق نه تنها پیشرفتی برای بشر ندارد بلکه معکوس عمل می‌کند و انسان باید این را بداند. حسن اخلاق برای دنیای بشر است. وجود مقدس خاتم انبیاء، محمد مصطفی(صلي الله عليه و آله و سلم) می‌فرمایند: "إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ حَسَنَ الْأَخْلَاقِ لِأَنَّ الْحَسَنَ الْأَخْلَاقِ أَعْلَى الْمَقَامِ الْإِنْسَانِ" من آمدم حسن اخلاق و اخلاق‌های خوب را تمام کنم. پیغمبر کد را بیان کردند اما بشر نفهمید، ای کاش بشر می‌فهمید راه همین است! عزیزان! به خدا قسم تا به سمت اخلاق نرویم، صد در صد بدانید مشکلات ما هم رفع نمی‌شود.

حضرت می‌فرمایند: "لِأَنَّ الْحَسَنَ الْأَخْلَاقِ أَعْلَى الْمَقَامِ الْإِنْسَانِ" حسن خلق و رفتار نیکو انسان را بالا می‌برد تا جایی که به مقام اعلای انسانیت می‌رسد "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ" [4]. اگر انسان بفهمد که همه چیز در مکارم اخلاق است، طبیعی است دیگر نمی‌گوید چرا مشکل دارم.

حضرت امام(اعلي الله مقامه الشریف) فرمودند: آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی(اعلي الله مقامه الشریف) خیلی بر این نکته تاکید داشتند و می‌فرمودند: جامعه‌ای که به چه کنم، چه کنم دچار می‌شود، دلیل را نمی‌فهمد و شیطان هم اجازه نمی‌دهد که بفهمد، دلیل این است که اخلاق در آن جامعه نهادینه نشده است. اگر اخلاق نهادینه شد، بشر اوج می‌گیرد و جامعه به چه کنم چه کنم، نمی‌افتد - حرف بسیار بزرگی است -.

چه می‌شود گاهی ما هم به این مسائل دچار می‌شویم که حتی قلب اولیاء را به درد می‌آوریم؟ در محلّ قانونگذاری، دو و دو و سه سه راه می‌اندازیم؟ همه این‌ها به خاطر بی‌اخلاقی است. اگر اخلاق در جامعه نهادینه شود، پیامبر(صلي الله عليه و آله و سلم) می‌فرمایند: بشر به اعلا مقام خودش می‌رسد.

وجود مقدس حضرت صادق القول و الفعل، امام جعفر صادق(صلوات الله و سلامه عليه) می‌فرمایند: "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَصَّ رَسُولَ اللَّهِ ص بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ" [5] پروردگار عالم اصلاً پیغمبرش را مخصوص به مکارم اخلاق کرد "حَصَّ". تبلور عبودیت در اخلاق

اگر از وجود مقدس ختمی مرتبت، حضرت محمد مصطفی(صلي الله عليه و آله و سلم) سؤال شود: یا رسول الله افتخار شما به چیست؟ پیامبر عظیم‌الشأن(صلي الله عليه و آله و سلم) نمی‌فرمایند: این که من خاتم انبیاء هستم یا اشرف انبیاء هستم یا این که من اشرف مخلوقاتم که هستند اما خود وجود نازنینشان می‌فرمایند: فخر من در عالم به این است که عبد هستم. لذا شما ببینید در تشهّد که شهادت می‌دهیم، قبل از رسالت، می‌گوییم: "أشهد أن محمد عبده و رسوله" اول عبد است بعد رسول. اما می‌دانید چرا عبد شد؟

جوان‌های عزیز! فرزندان عزیزم! کد بسیار عالی بیان می‌کنم، آن را به خاطر بسپارید، کد اساسی زندگی است. آیت‌الله قاضی، آن موحد

عظیم الشان به آیت‌الله قوچانی(اعلی الله مقامهما الشریف) از شاگردان مبرز خودشان که عارف بزرگی هم بودند فرمودند: عبودیت فقط در اخلاق تبلور دارد، نه در عبادت ظاهری و صلاه و صوم.

اگر پروردگار عالم پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را برگزید و عبد خالص خودش کرد و او را به عنوان اشرف مخلوقات قرار داد، به خاطر این بود که او را به بهترین مکارم اخلاق مخصوص کرد. "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَصَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ".

رمز این است: اگر مکارم اخلاق در پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نبود، پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) عبد خدا نبود. اصلاً، رسالت و امامت، همه چیز در بستر عبودیت رشد کرده، این‌ها اول عبد حقیقی خدا هستند.

عیسی بن مریم(علی نبینا و آله و علیه الصلوة و السلام) در گهواره می‌گوید: من عبدالله، عبد خدا هستم. چه زمانی روح الله شد؟ آن زمانی که عبدالله بود. انسان چه زمانی رسول الله می‌شود؟ آن موقعی که عبدالله است، عبد حقیقی خدا. چه زمانی انسان عبد می‌شود؟ آن موقعی که مکارم اخلاق در وجودش به عنوان يك اصل نهاده شده.

حضرت صادق القول و الفعل(صلوات الله و سلامه علیه) می‌فرمایند: "فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ" شما هم نفوس خودتان را امتحان کنید. با اخلاق شوید، به جایی می‌رسید.

آسید هاشم حداد(اعلی الله مقامه الشریف)، آن عارف عظیم الشان، روحانی به عنوان حوزوی نبود، از آخرین گروه شاگردان آیت‌الله قاضی(اعلی الله مقامه الشریف) هم بود اما چنان سیر کرد و اوج گرفت که آیت‌الله قوچانی(اعلی الله مقامه الشریف) خودشان فرمودند: يك جاهایی که ما می‌ماندیم، به آسید هاشم(اعلی الله مقامه الشریف) رجوع می‌کردیم.

آیت‌الله قوچانی(اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: می‌دانید چرا آسید هاشم(اعلی الله مقامه الشریف) به اینجا رسید؟ ایشان به این خاطر به این مقام و اوج رسید که سعی می‌کرد اخلاق را رعایت کند.

عرض کردم مادر همسر ایشان يك زن باده‌نشین بود، حتی ایشان را می‌زد که چرا آن‌طور که باید برای بچه‌ها رزق و روزی نمی‌آوری. ایشان خودشان فرموده بودند: من دائم می‌گفتم: "وَ الْكَاطِمِينَ الْعَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" [6]. مواظبت می‌کردند و چون اخلاق را در وجود خودشان نهاده کرده بودند به جایی رسیدند که از مجتهدینی مثل آیت‌الله قوچانی(اعلی الله مقامه الشریف) بالا زدند.

* آثار نهاده شدن اخلاق

ماجرایی را تعرف کنم تا ببینید وقتی انسان تزکیه شود و علم بیاید، چگونه می‌شود. مرحوم حاج آقاي حلوایی(اعلی الله مقامه الشریف) و یکی دیگر از عرفای عظیم الشان بیان کردند: در مجلسی که حضرت آیت‌الله العظمی ادیب(اعلی الله مقامه الشریف) در خلوت خودشان در دل شب داشتند، خصیصینی از جمله آشیخ رجبعلي خياط(اعلی الله مقامه الشریف) شرکت می‌کردند. يك دفعه قبل از شروع جلسه، بحث مکاسب پیش آمد. آیت‌الله دزفولی(اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: بحث برای آقا رجبعلي خسته‌کننده می‌شود، بحث دیگری کنید.

يك دفعه آیت‌الله العظمی ادیب(اعلی الله مقامه الشریف) وارد شدند يك اشاره‌ای به آقا رجبعلي(اعلی الله مقامه الشریف) کردند و فرمودند: بگو - حالا یا همان لحظه با اشاره، علم را به او تزریق کردند یا اینکه از قبل این علم را داشتند - آقا شیخ رجبعلي(اعلی الله مقامه الشریف) گفت: بله، این که شما گفتید، شیخ در صفحه 222 این‌طور گفته، راجع به این موضوع مثلاً آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی(اعلی الله مقامه الشریف) این‌طور بیان کرده است و ...

همه تعجب کردند: شیخ! تو كي فقه خواندی که مکاسب بدانی؟! يك لبخندی زد، اشاره‌ای به قلبش کرد و فرمود: آن را از اینجا خواندم، همان تزکیه‌ای که اگر انسان چهل شبانه‌روز برای خدا تزکیه کند، حکمت از قلبش به زبانش جاری می‌شود. اثر نهاده شدن اخلاق در وجود این‌گونه است.

حضرت می‌فرمایند: شما هم باید همین‌طور باشید "فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ". پروردگار عالم پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را مخصوص به مکارم اخلاق کرد اما آیا فقط باید پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) این‌گونه باشد؟ خیر، امت او هم باید این‌گونه باشند.

آیت‌الله مولوی قندهاری(اعلی الله مقامه الشریف)، آن کنز خفی الهی فرمودند: به آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی(اعلی الله مقامه الشریف)، استاد عظیم الشانمان عرضه داشتم: آقا! اگر اخلاق و مکارم اخلاقی که وجود مقدس امام صادق(صلوات الله و سلامه علیه) فرمودند "فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ" در بین مسلمان‌ها نهاده می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

ایشان دو انگشتشان را باز کردند - آیت‌الله مولوی(اعلی الله مقامه الشریف) بعدها در مباحثشان می‌فرمودند: فکر نکنید دو انگشت باز کردن برای معصوم است. تالی‌تو معصوم هم دو انگشت باز می‌کند و به تو عالمی را نشان می‌دهد - دیدم چیزی شبیه باغ بود که اطراف آن خانه‌های منظم و بزرگی وجود داشت، وسط هم جاده بود و ورودی همه‌جا چمن داشت و ...، فرمودند: دنیای مردم این می‌شد، آخرتش را که دیگر رها کن.

متعجب شدم، گفتم: آقا! همه؟! فرمودند: بله، همه. باورش سخت است، اما اگر همه امت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) اخلاق را در وجودشان نهاده می‌کردند، این‌گونه می‌شد. اگر همه به آن حال می‌رسیدند، چه غوغایی می‌شد، چه عالمی به وجود می‌آمد. لذا حضرت صادق القول و الفعل(صلوات الله و سلامه علیه) می‌فرمایند: خدا پیغمبرش را به بهترین مکارم اخلاق مخصوص کرد.

حضرت شیخناالعظم، حضرت مفید عزیز(روحی له الفدا و سلام الله علیه) اول مرجع دین، می‌فرمایند: وجود مقدس مولا، آقا، سید، صاحب و سالارمان، حضرت حجت بن الحسن المهدي(صلوات الله و سلامه علیه) فرمودند: فردای قیامت انبیاء عظام به حالت راه رفتن پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نگاه می‌کنند؛ یعنی کسی که در او مکارم اخلاق است راه رفتنش با سکینه و آرامش است.

در حالی که عرض کردیم وقتی می‌فرماید: "لَا تَمَمَّ" یعنی خود انبیاء هم برای مکارم اخلاق آمدند اما پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) تمام‌کننده هستند. خود آن انبیاء عظام، قدم زدن نبی مکرم(صلی الله علیه و آله و سلم)، این حال وقار و عجیب را می‌بینند که همه به واسطه مکارم اخلاق است.

* شیرینی مکارم اخلاق

وجود مقدس حضرت صادق القول و الفعل(صلوات الله و سلامه علیه) در ادامه می‌فرمایند: "فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ" اگر دیدید که در شما چنین حالی به وجود آمد، خدای عزوجل را شاکر باشید. عجیب است ملای نراقی(اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: من دو تا دو رکعت نماز شکر می‌خوانم. یکی به‌خاطر این است که خداوند توفیق داده است نماز بخوانم؛ یعنی من را مجدد زنده نگه داشت تا نماز بخوانم. خدا استاد عظیم‌الشان مان آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی(اعلی الله مقامه الشریف) را رحمت کند. ایشان می‌فرمودند: به نظم می‌آید که نماز شکر دوم به‌خاطر این بود که ایشان، خودش به عنوان مکارم اخلاق است؛ یعنی همان چیزی که وجود صادق القول و الفعل(صلوات الله و سلامه علیه) فرمودند: "فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ" اگر دیدید این حال را دارید و مکارم اخلاق در شما هست، "فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ" خدای عزوجل را شاکر باشید "وَ ارْعَبُوا إِلَيْهِ فِي الرِّيَاضَةِ مِنْهَا" و خودتان را ترغیب کنید و بیشتر به دنبال آن بروید. آیت‌الله احمدی میانجی(اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرمودند: آیت‌الله امیرزا جواد آقایی ملکی تبریزی(اعلی الله مقامه الشریف)، آن عارف بزرگ با گریه می‌فرمودند: به خدا قسم! اگر کسی یک مقدار در مکارم اخلاق برود، آن قدر شیرینی‌اش را حس می‌کند که دیگر دلش نمی‌آید آن را رها کند. دوست دارد مدام جلوتر برود. معلوم می‌شود که ما هنوز این مکارم اخلاق را نچشیدیم! مکارم اخلاق شیرینی و حلاوت دارد. انسان دوست دارد که بیشتر بداند، حال عجیبی دارد. اولیاء و خصیصین ما، اعظم، تالی تلوهایی معصوم این‌گونه هستند. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی(اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرمودند: وقتی فردی پیش امیرزا جواد آقایی ملکی تبریزی(اعلی الله مقامه الشریف) می‌آمد و می‌گفت: یک نصیحت کنید، ایشان خیلی خوشحال می‌شدند؛ چون خودشان شیرینی مکارم را چشیده بودند، وقتی شروع به موعظه و نصیحت می‌کردند، آرام آرام از چشم مبارکشان اشک می‌آمد، حالشان تغییر می‌کرد؛ چون این شیرینی و حلاوت مکارم اخلاق در وجودشان قرار گرفته و دوست دارند که مردم را دعوت کنند. آیت‌الله مولوی قندهاری(اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرمودند: بر من یقین شده است این که قرآن به پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: "لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ" [7] دیگر بس است تو داری خودت را به هلاکت می‌اندازی که چرا ایمان نمی‌آوری؛ چون خود پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) مکارم اخلاق بود، منظور از ایمان یعنی این که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خواهد این حلاوت اخلاق را به دیگران بچشاند! می‌فرمود: بیایید ببینید چقدر شیرین است! چقدر این مکارم اخلاق زیباست! می‌خواست آن‌ها را به این سو بکشاند. پروردگار عالم فرمود: حبیب من! آن قدر خودت را به هلاکت نینداز! عارف عظیم‌الشان، آقا معلم دامغانی(اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرمودند: آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی(اعلی الله مقامه الشریف) آن مرد الهی می‌فرمودند: فقط پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) این حال را نداشت، این که دو شب پرونده‌های ما به دست وجود مقدس آقایمان می‌رسد و ایشان گریه می‌کنند، معنی‌اش این است که آقا می‌فرمایند: محب من چرا نیامدی شیرینی این طرف را بچشی؟! چرا سمت گناه رفتی؟! بیا این طرف را ببین که چقدر شیرین است؟! مکارم اخلاق چقدر شیرین است؟! گریه آقا که برای گناه ماست؛ یعنی آقا می‌فرماید: چرا نمی‌فهمی که این طرف شیرین است؟! این حلاوت و شیرینی مکارم اخلاق را بچش! آن وقت دیگر نمی‌خواهی ره‌ایش کنی! تو دیگر ره‌ایش نمی‌کنی! اصلاً انسان خود به خود به سمت زیادی آن می‌رود. دنیا عالی می‌شود، آرامش و طمأنینه می‌گیرد.

[1] زمر/9

[2] توبه/36

[3] جمعه/2

[4] تین/4

[5] بحار الأنوار، ج:66، ص:368، باب: 38

[6] آل عمران/ 134

[7] شعراء/3